

حج

مؤلف: محسن قرائتی

قرائتی، محسن، ۱۳۲۴ -
حج / مولف محسن قرائتی۔ (ویرایش؟)۔
[بیجا]: نشر مشعر، ۱۳۷۱.
۲۸۸ ص.

فہرست نویسی براساس اطلاعات فیبا .
چاپ قبلی: جامعہ مدرسین حوزه علمیه قم، دفتر
انتشارات اسلامی، ۱۳۶۵.
کتابنامہ بہ صورت زیر نویس.

ISBN 964-7635-15-X

الف. عنوان.

۲۹۷/۳۵۷

مجموعی BP188/A/
۱۳۷۱

۷۴-۲۵۰/۷۴ م

کتابخانہ ملی ایران

حج

♦ تالیف:	محسن قرائتی
♦ ناشر:	نشر مشعر
♦ چاپ:	دارالحدیث
♦ نوبت چاپ:	۷: بہار ۱۳۸۵
♦ تیراژ:	۳،۰۰۰ جلد
♦ بہا:	۱۳۰۰ تومان

ISBN 964-7635-15-X

شابک X-۱۵-۷۱۳۵-۹۶۴

فهرست مطالب

۱۳	مقدمه معاونت آموزش و تحقیقات
۱۵	پیشگفتار
۲۷	مقدمه چاپ اول
۲۹	اهمیت حج
۳۰	حج در روایات
۳۲	حج، یک بسیج توحیدی
۳۲	حج، بندگی خداست
۳۳	حج، ایثار و فداکاری است
۳۴	حج، وسیله آزمایش است
۳۵	حج، زنده کردن آثار رسول خدا است
۳۷	جاذبه کعبه
۳۷	حج، آرام بخش است
۳۷	حج، تقویت و اصلاح ایمان است
۳۹	حج، فرار از گناهان است
۳۹	حج، میعاد و بیعت با امام است

۶ حج

- ۴۰ حج، وسیله استواری مسلمانان است
- ۴۲ مکه، خانه امن است
- ۴۳ پیام‌گیری و پیام‌رسانی
- ۴۴ اعلام برائت از کفار و ...
- ۴۵ حج، بیمه کردن انسان از فقر است
- ۴۶ حج، محرک چرخ اقتصاد است
- ۴۷ حج، مرکز تبلیغات است
- ۴۸ تلاش برای حج
- ۵۲ حج، جهاد ضعفا است
- ۵۵ قصد قربت

در آستانه حج ۵۹

- ۵۹ تهیه مال حلال
- ۶۰ حلالیت خواستن
- ۶۱ سفر و فوائد آن
- ۶۳ گوشه‌ای از اخلاق و آداب سفر
- ۶۴ نکاتی دیگر در باره مسافرت
- ۶۵ هماهنگی با مسافران
- ۶۷ مخارج سفر حج
- ۶۸ خدمت به خانواده حجاج
- ۶۸ کم کم حرکت می‌کنیم
- ۶۹ وقتی از خانه خارج می‌شویم

۷۳	اعمال حج
۷۳	میقات
۷۴	در میقات چه کنیم؟
۷۷	حَرَم و مکه
۷۹	مسجدالحرام
۸۱	طواف
۸۴	چند نکته لطیف در طواف
۸۶	نماز طواف
۸۷	مسأله امامت و حج
۸۷	یک نکته بسیار مهم
۹۱	سعی صفا و مروه
۹۴	تقصیر
۹۴	ایام فراغت در حج
۹۷	بهترین کار در ایام حج
۱۰۶	نحوه برخورد
۱۱۰	اعمال حج شروع می‌شود
۱۱۳	به سوی عرفات می‌رویم
۱۱۵	عرفات
۱۱۶	روز عرفه
۱۱۸	عرفه و امام حسین (علیه السلام)
۱۱۹	حسین (علیه السلام) و عرفه
۱۲۱	مشعر
۱۲۸	حرم در حرم

۸ حج

۱۳۱ منی

۱۳۲ رمی جمره

۱۳۹ قربانی

۱۴۳ کمک رسانی به اهل حجاز یک اصل است

۱۴۵ مسأله دوم در قربانی

۱۴۵ سیر کردن گرسنه‌ها

۱۴۹ نگاهی به گرسنه‌ها

۱۵۳ تقوا

۱۵۴ منی، سرزمین آزمایش

۱۵۵ آزمایش

۱۵۷ حلق و تقصیر در منی

۱۵۸ بیتوته در منی

۱۶۰ خروج از منی

۱۶۲ طواف

۱۶۳ نماز طواف

۱۶۵ قبرستان ابوطالب

۱۶۵ حضرت خدیجه (علیها السلام)

۱۶۹ فوت خدیجه

۱۶۹ پیمان خدیجه

۱۷۰ ابوطالب (علیه السلام)

۱۷۱ حمایت مکتبی نه عاطفی

۱۷۲ ابوطالب (علیه السلام)، مؤمن قریش

۱۷۹ از مکه بیرون می‌رویم

۹	فهرست مطالب
۱۸۱	سفارشی از امام صادق (علیه السلام)
۱۸۳	به سوی مدینه
۱۸۶	به سوی مدینه
۱۸۸	زیارت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)
۱۹۰	یک - زیارت، قدردانی از زحمات است
۱۹۰	دو - تأیید عملی
۱۹۱	سه - شکوفا شدن خصلت مظلوم یابی
۱۹۱	چهار - هشدار به متمگران
۱۹۲	پنج - مرکز شناسایی همفکران
۱۹۲	شش - تقرب به اولیای خدا
۱۹۲	هفت - زیارت اولیای خدا، ارزیابی خود
۱۹۴	عذرخواهی از رسول الله (صلی الله علیه و آله)
۱۹۹	فکر و تأمل در کنار مسجد
۲۰۱	ناله از وضع مسجد
۲۰۵	معنای شرک
۲۰۸	توسل و تبرک و استشفاء
۲۰۸	شاهد از تاریخ و سیره
۲۲۱	کدام برخورد بهتر است؟
۲۲۵	قبرستان بقیع
۲۴۴	زیارت حضرت زهراء (سلام الله علیها)
۲۴۸	بیت الاحزان

- ۲۴۸ قبور بزرگان دیگر
- ۲۴۹ یک - عثمان بن مظعون
- ۲۴۹ دو - فاطمه بنت اسد
- ۲۵۰ سه - سعد بن معاذ
- ۲۵۰ چهار - حلیمه سعدیه
- ۲۵۱ پنج - عباس عموی پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)
- ۲۵۲ شش - ابراهیم فرزند پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)
- ۲۵۳ هفت - قبور سه دختر رسول گرامی (صلی الله علیه و آله)
- ۲۵۳ هشت - قبور چند تن از شهدای اُحد
- ۲۵۳ نُه - نافع ابوسعید خدری
- ۲۵۳ ده - قبر عبدالله بن جعفر طیار
- ۲۵۳ یازده - قبور عاتکه و صفیه
- ۲۵۵ شهدای اُحد
- ۲۵۹ حضرت خمزه سیدالشهدا
- ۲۶۴ اسامی شهدای اُحد
- ۲۶۶ یک درس مهم
- ۲۶۹ شرط امدادهای غیبی در جبهه‌ها
- ۲۷۱ گنجینه‌های ویران
- ۲۷۵ لزوم هدایا
- ۲۷۶ بازگشت به وطن و خرید سوغات
- ۲۸۰ تشکر و عذرخواهی

۱۱	فهرست مطالب
۲۸۱	خدمت‌گزاران
۲۸۲	استقبال از حجاج
۲۸۲	ولیمه
۲۸۵	چند نکته مهم
۲۸۵	تذکرات بهداشتی
۲۸۶	تذکرات اخلاقی
۲۸۷	پایان نامه

بسم الله الرحمن الرحيم

«یکی دیگر از وظائف مهم، قضیه آشنا کردن مردم است به مسائل حج، آدم بسیار می بیند که حج می روند، زحمت می کشند، لکن مسأله حج را نمی دانند...».

حجّ نمایشی پرشکوه، از اوج رهایی انسان موحد از همه چیز جز او، و عرصه پیکاری فرا راه توسن نفس، و جلوه بی ماندی از عشق و ایثار، و آگاهی و مسئولیت، در گستره حیات فردی و اجتماعی است. پس حجّ تبلور تمام عیار حقایق و ارزشهای مکتب اسلام است.

مؤمنان گرچه با این عبادت الهی، آشنایی دیرینه دارند، و هر سال با حضور شورانگیز از سراسر عالم، زنگار دل، با زلال زمزم توحید می زدایند، و با حضرت دوست تجدید میثاق می کنند، و گرچه میراث ادب و فرهنگ ما، مشحون از آموزه های حیاتبخش حجّ است، اما هنوز ابعاد بی شماری از این فریضه مهم، ناشناخته و مهجور مانده است.

پیروزی انقلاب اسلامی، در پرتو اندیشه های تابناک امام خمینی - رضوان الله تعالی علیه - حجّ را نیز همچون سایر معارف و احکام اسلامی، در جایگاه واقعی خویش نشانند، و سیمای راستین و محتوای غنی آن را

نمایاند. اما هنوز راهی دراز در پیش است، تا فلسفه و ابعاد و آثار و برکات حج، شناخته و شناسانده شود، و مؤمن حج گزار با آگاهی و شعور دینی، بر آن مواقف کریمه، و مشاعر عظیمه، که محل هبوط ملائکه الله، و توقف انبیا و اولیا بود، گام بگذارد.

در راستای تحقق این هدف بزرگ، بعثه مقام معظم رهبری با الهام از اندیشه‌های والا و ماندگار امام راحل، احیاگر حج ابراهیمی - قدس سره الشریف - و بهره گیری از رهنمودهای ارزشمند رهبر عزیز انقلاب اسلامی حضرت آیه الله خامنه‌ای - مدظله العالی - با تأسیس معاونت آموزش و تحقیقات، تلاش می‌کند فصل جدیدی فراراه اندیشمندان مسلمان، و علاقمندان به فرهنگ حج، و زائران و راهیان حرمین شریفین بگشاید. از این رو در عرصه تحقیق و تألیف و ترجمه، آثار گوناگون پیرامون حقایق و معارف حج، آشنایی با اماکن مقدسه، تاریخ و سرگذشت شخصیتهای بزرگ اسلام، بررسی رویدادها و عرضه خاطرات و بویژه آموزش مسائل و آداب حج تلاش‌هایی را آغاز کرده است. آنچه اینک پیش روی خواننده قرار دارد برگ سبزی است از این دفتر.

بی‌گمان راهنمایی و همراهی اندیشوران، از نارسائی‌ها خواهد کاست، و در این راه معاونت آموزش و تحقیقات بعثه مقام معظم رهبری، از همکاری همه علاقمندان استقبال کرده، و دست آنان را به گرمی می‌فشارد.

من الله التوفيق و عليه التكلان

معاونت آموزش و تحقیقات
بعثه مقام معظم رهبری

بسم الله الرحمن الرحيم

پیشگفتار

در سفر حج، عبادت، هجرت، سیاست، ولایت، برائت، اخوت، قدرت و... نهفته است.

امام رضا(علیه السلام) می فرماید: در حج، علوم اهل بیت تعلیم داده شده و به سراسر دنیا پخش می شود.

در حج، انسان مهمان خداست. در اولین نقطه زمین قرار می گیرد (والارض بعد ذلك دآها).

خانه خدا همراه با مردم، با یاد ابراهیم و محمد، با دست خدا - حجرالاسود - بیعت می کند و به یاد می آورد که نماز جماعت سه نفری (محمد(صلی الله علیه و آله و سلم) و خدیجه(علیها السلام) و علی(علیه السلام)) به نماز میلیونی تبدیل شده است.

انسان در حج با خیال راحت و در منطقه امن، به فکر خدا و قیامت می افتد. راه رفتن در خال طواف، قیام و سکون در نماز، تماشای کعبه هر

کدام آثاری دارد.

خانه خدا جایی است که مشرکان نجس حق ورود ندارند.

نااهلان، حتی سرپرستی ندارند.

ملک هیچ کس نیست، همه مردم در آنجا یکسانند و گویا به منزل خود آمده‌اند و از این رو نمازشان را می‌توانند چهار رکعتی بخوانند و گویا مسافر نیستند. آری در چهار مرکز انسان مسافر می‌تواند نمازش را تمام بخواند:

مرکز الوهیت (مکه)

مرکز نبوت (حرم پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم)

مرکز ولایت (مسجد کوفه)

مرکز شهادت (حرم امام حسین علیه السلام)

در این چهار مرکز، انسانها همه خودی هستند، نیازی به نماز شکسته نیست. این مراکز خانه همه است. نمازشان را می‌توانند تمام بخوانند. در آنجا قبله ما قبله دقیق و واقعی است.

صدها پیامبر آنجا نماز خوانده‌اند. در آنجا یک نماز قبول سبب قبول شدن تمام نمازهای عمر می‌شود (وافی).

به گفته قرآن، مکه جایی است که هر کس اراده سوئی نسبت به آنجا کند، با عذاب دردناک الهی تنبیه می‌شود.

آنجا را ابراهیم و اسماعیل به فرمان خداوند، برای شما از آلودگیها پاک کرده‌اند.

در آنجا مظهر «ولایت» و «برائت» نمودار است؛ حتی سنگهای آنجا با همه جا فرق دارد. یک سنگ را (سنگ کعبه) می‌بوسیم و دورش طواف

می‌کنیم ولی به سنگی دیگر، سنگ ریزه پرتاب می‌کنیم. آری یکی «سنگ ولایت» است و دیگری «سنگ براثت»!

مسجدالحرام؛ مسجدی که احترام مخصوص دارد. مهندس آن خدا، معمارش آن ابراهیم (علیه‌السلام)، کارگرش اسماعیل (علیه‌السلام)، بت‌شکنش علی (علیه‌السلام)، و امام جماعتش محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم)، اقتداکننده‌اش خدیجه - س -، مؤذنش بلال و آبش زمزم است. در کنارش صفا، برگردش مردم، مدفن انبیا، معراج رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله و سلم) و توبه‌گاه گناهکاران است!

برای ورود به آنجا چهار بار غسل می‌کنیم:

یک بار برای احرام بستن از بیرون منطقه.

بار دوم برای ورود به منطقه امن.

بار سوم برای ورود به مکه.

چهارم برای ورود به مسجدالحرام.

خدایا! اینجا کجاست که باید چهار بار خودم را بشویم و آیا این همه ویژگی برای چیست؟

مکه «جغرافی» نیست، «تاریخ» است. «زمین» نیست، «زمان» است.

راه ورودی آن بسته و محدود نیست، از هر طرف می‌توان وارد شد، چند میقات داریم.

اگر عمری به هر کس لبیک گفته‌ایم، الآن تنها به خدا لبیک می‌گوئیم یعنی ای خدا آمدم! به کسی مربوط نیست که خوب یا بدم، صاحب خانه مرا آورده است. اگر او دوستم نداشت نمی‌آوردم. من مهمان او هستم.

آن قدر لبیک را تکرار می‌کنم تا در عمق جانم لذت بندگی را درک کنم.

بلند می‌گویم، از کسی خجالت نمی‌کشم، به کاروانها که رسیدم صدایم را بلند می‌کنم، فضا را از فریادم پر می‌کنم، با اشک و ناله می‌گویم، درست و صحیح می‌گویم من می‌خواهم از حالا بنده او باشم، **لَبَّيْكَ اللَّهُمَّ لَبَّيْكَ!** خدایا! چه توفیقی به زائر خانه خود داده‌ای، او را به حج دعوت کرده‌ای! بنای اسلام بر حج است، تو با دعوت به حج و طواف دور کعبه هم آزمایش می‌کنی و هم مدال می‌دهی.

همه را در یک لباس می‌بری، لباس سفید که نشانه بهداشت، صفا، تواضع، روشنی و نور، فرهنگ و ادب است. و نیز رنگ لباس ایام نوزادی و ایام مرگ است.

لباسی که توجهی به سرما و گرما و خودنمایی در آن نیست. نه بلند، نه کوتاه. نشانه‌ای از کشور و سن و صنف و مقام ندارد. لباس مساوات و بندگی، لباس حیا و اخلاص، لباس تواضع و بکرنگی است!

مراسم حج باید هر سال تکرار شود تا مردم روحیه بگیرند، در جریان آخرین تحولات جهان اسلام باشند، تا دشمن بداند هستیم و بیداریم. مانور و میتینگ ما باید در منطقه باشد با این خصوصیات:

خانه خدا (خداوند به ابراهیم (علیه‌السلام) دستور می‌دهد که کعبه و مسجد الحرام را که خانه امن من است، پاک کن).

خانه پدرمان (مَلَّةَ اَبِيكُمْ اِبْرَاهِيمَ).

خانه امن (مَنْ دَخَلَهُ كَانْ اَمِنًا).

خانه آزاد (بیت عتیق).

خانه مبارک (بیتکة مبارکاً).

خانه هر روز ما (قبله ما) خانه‌ای که اگر حیوانی به سوی آن ذبح نشود

گوشتش را مصرف نمی‌کنیم و حتی مرده خود را در قبر، به سوی آن می‌گذاریم.

ما که حقیقت حج را درک نمی‌کنیم ولی همین قدر می‌دانیم که امامان معصوم ما پیاده به سوی آن می‌شتافتند و از ماهها قبل خود را آماده این سفر می‌کردند و در دعا‌های ماه رمضان هر صبح و شام با ناله، «اللهم ارزقنی حج بیتك الحرام» می‌گفتند و همین که به مکه می‌رسیدند، کفش خود را در می‌آوردند و گریه می‌کردند. برای حج بودجه صرف می‌کردند و حتی ناشناس در کاروانها به سایر زائران خانه خدمت می‌نمودند.

بنابراین، حساب این سفر، از همه سفرها جدا است. حاجی در این سفر سه نوع وظیفه دارد:

۱ - وظیفه‌ای نسبت به مال خود: که خمس و زکات مالش را بدهد بطوری که

حق مردم در مال او نباشد و بهترین مال خود را صرف کند.

۲ - وظیفه‌ای نسبت به خودش: توبه و شکر نماید. قصد و نیت خود را

اصلاح کند.

۳ - وظیفه‌ای نسبت به مردم: از مردم عذرخواهی کند. به محرومان و

مستضعفان و بستگان رسیدگی نماید. دوستان را از رفتن خود با خبر کند.

این سفر به قدری ارزش داشت که اگر شتری لب به نجاست می‌زد برای

سفر حج سوار آن نمی‌شدند، راستی مگر می‌شود با هر بنزینی هواپیما

پرواز کند؟ مگر بدون داشتن آمادگی و اطلاعات لازم می‌توان پرواز

معنوی داشت؟

به هر حال، حج یک سفر ساده و عادی نیست، مظهر اسلام است. اسلام

سه قالب دارد:

– اسلام در قالب کلمات، «قرآن» است.

– اسلام در قالب انسان، «امام» است.

– اسلام در قالب عمل، «حج» است.

هر چه این سفر تکرار شود و هر چه فکر کنیم، به مطلب و نکته تازه‌ای می‌رسیم.

کعبه یک پرچم است که باید زیر آن جمع شویم و سرود توحید سردهیم، هم قیامت را یاد کنیم، هم تاریخ را.

نگاه به صحنه‌های مکه، قرآن را برای ما تفسیر می‌کند. مگر قرآن نفرموده که ما حق را پیروز می‌کنیم؟ کجایند ابو جهل‌هایی که تصمیم گرفتند رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) را که به تنهایی مشغول نماز بود با زدن سنگ - در حال سجده - به مغز مبارکش شهید نمایند.

در حج، نظم عجیبی به چشم می‌خورد: در مدار معین، در تعداد معین، در وقت معین، در جهت معین، با هدف معین.

حج با تاریخ قمری است، تا گاهی انجام آن در زمستان باشد و گاهی در تابستان، تا حاجی از سرما و گرما باکی نداشته باشد.

حج، مصداق آیه «ففرّوا الی الله» است، که:

«به سوی خداوند کوچ کنید!»

در نماز چند «لحظه» از مادیات جدا می‌شویم،

در روزه چند «ساعت».

و در حج چند «شبانه روز» باید در حال احرام باشیم.

حج مصداق آیه «آتی ذاهب الی ربی سیه‌دین» است؛ «یعنی من به سوی

پروردگارم حرکت می‌کنم او مرا هدایت خواهد کرد».

حرکت در مسیر الهی و انجام مناسک حج، حتماً باید زیر نظر عالم و طبق فتوای مرجع تقلید باشد. بنابراین مسأله را از غیر عالم سؤال نکنیم و نماز خودمان را قبل از حرکت درست کنیم و مرجع تقلیدمان را مشخص سازیم و حقوق مالی واجب را پردازیم تا در این سفر آسمانی مشکلی نداشته باشیم. ارزش این سفر به قدری است که سزاوار نیست بخاطر مسأله غذا و مکان حرفی بزنیم، یا گلایه‌ای کنیم، یا عیب همسفران را بازگو نماییم. در این سفر ربّانی، سادگی، ایثار، اخلاق، فکر و مناجات، شرکت در نماز اهل سنت و توجه به آداب ضروری است.

حج سفری عاشقانه است که اولیای خدا با شوق و پیاده به سوی آن می‌رفتند. امام کاظم (علیه‌السلام) یک بار بیست و پنج روز و سفر دیگر بیست و چهار و سفر سومش بیست و شش روز پیاده مسافت هشتاد فرسخی میان مدینه و مکه را طی کرد.

سفر حج مبدأ تاریخ بوده است تا آنجا که قرن‌ها قبل از اسلام و مسیحیت و حتی قبل از حضرت موسی حضرت شعیب به موسی گفت: من یکی از دخترانم را به ازدواج تو درمی‌آورم مشروط به آنکه هشت حج باده حج یار من باشی. قرآن به جای «هشت سال»، «هشت حج» مطرح کرده است.

سفر حج مثل تدبّر در قرآن است که انسان هر بار به نکات تازه‌ای برمی‌خورد. خوشا به حال کسانی که با شناخت لازم می‌روند و آنجا آهی و اشکی و ناله‌ای و نعره‌ای دارند.

در سفری شاعری را دیدم که باگریه چنین می‌خواند:

اومدم تا دل آلودمو شستو بندی من بی آبرو رو بلکه تو آبرو بندی
 من فراری بودم و کشوندیم با بدیهام تو خونت نشوندیم
 آخه من کجا طواف این خونه؟! قریون لطف تو ای صاحبخونه
 شعرها را ادامه می داد و اشک می ریخت.

و از همان شاعر کاشانی شنیدم که می گفت:

ای مُجرم مُجرم شده در کنج حَرَم مُحرم که شدی بکوش مُحَرَّم گُردی
 حج سفری نیست که با شعر و مقاله و کتاب بتوان به عمق آن رسید.
 شخصی از امام (علیه السلام) سؤال کرد که من سالهاست از شما راجع به
 حج مطالب جدیدی می شنوم، امام فرمود: آیا توقع داری احکام و اسرار
 حج پایان داشته باشد؟!

هیچ دولتی با هیچ بودجه ای در هیچ زمانی نمی تواند طرحی دهد که از
 تمام دنیا مردم عاشقانه کفن پوش و گریان و یک صدا در بیابانها و خیمه ها
 و خانه ها فریاد واحدی سردهند.

علاوه بر حج رفتن، به فرستادن مردم به حج نیز سفارش شده است.
 افرادی که تمکن دارند و می توانند دیگران را به حج بفرستند از این همه
 پاداشی که در روایات آمده است خود را محروم نمایند.

در عزت و فداست کعبه همین بس که باید از ذبح گوسفند گرفته تا
 خوابیدن در قبر، رو به سوی آن باشد،

چقدر عزیز است که جنگ در کنار آن ممنوع است.

چقدر عزیز است که ابراهیم و اسماعیل باید خادم آن باشند، جز افراد
 متقی حق تولیت آن را ندارد.

چقدر عزیز است که امام صادق (علیه السلام) نزدیک مکه از شتر پیاده

می‌شد و گریه می‌کرد و با پای برهنه وارد حرم می‌شد.
 چقدر عزیز است که به احترام این سفر الهی هر کس به دیدن زائر رود
 مأجور است و هر کس زائر خانه خدا را یاری کند مورد لطف خاص
 خداوند قرار می‌گیرد.

کعبه با اینکه در گودی و درّه قرار گرفته ولی چون نظر خدا با او است،
 والا و عزیز است، اما برجها و کاخها با اینکه در دامنه کوهها و در جای
 خوش آب و هوا قرار دارند مورد توجه قرار نمی‌گیرند. کدام مسجد
 است که چهارده بار نامش در قرآن برده شده باشد جز مسجد الحرام؟!

بعد از نماز و زکات، شاید بیشترین آیه پیرامون مسائل و توصیه‌های
 مربوط به حج است. این سفر نباید به سادگی انجام گیرد.

در روایات سفارش شده است که قبل از سفر، دیگران را از رفتن خود به
 مکه آگاه کنید و چون برگشتید سوغات بیاورید و مردم به دیدار شما
 بیایند.

حیف است که این سفر الهی آلوده به اغراض فاسد یا کم فایده شود. در
 روایات می‌خوانیم در آخرالزمان سلاطین برای تفریح و تجار برای
 درآمد و فقرا برای گدائی و قاریان قرآن برای تظاهر به مکه می‌روند.

وسائل الشیعه - جلد ۸، ص ۴۱

در این سفر باید هدف اصلی کسب رضای خداوند باشد. در این راه هر
 چه بتوانیم از زرق و برق دوری کنیم به کمال نزدیک‌تر می‌شویم.
 خداوند می‌توانست سنگهای کعبه را از سنگهای پرجاذبه قرار دهد ولی
 هر چه ساده‌تر باشد به صفا نزدیک‌تر است. کعبه پرچم اسلام است. پرچم
 پارچه‌ای بیش نیست ولی یک ارتش قوی به آن افتخار می‌کند و برای

برفرازی آن جانها فدا می‌شود، در باره حج چه می‌توان نوشت؟ که اسرار و احکامش مرز و حد ندارد. هنگام نوشتن این سطرها باید این شعر را بخوانم:

یوسفی را به کلامی نتوانند خرید
اینقدر هست که ما هم ز خریدارانیم
مگر می‌شود اسرار حج را فهمید یا نوشت؟!

معانی هرگز اندر حرف ناید
که بحر بیکران در ظرف ناید
مکه مکانی است که خوابیدن در آن مثل تلاش در سایر مناطق است.
سجده در آن همچون شهادت در راه خدا است و به سادگی قابل درک نیست. حیف که از این سفر بهره‌هایی که باید برده نمی‌شود.

از کنار این سفری که تاریخ مجسم اسلام است به سادگی رد می‌شویم.
مکه «ام القرئ» است، یعنی مادر مناطق است. منطقه وحی و امن است و همانگونه که مادر فرزندان خود را تغذیه می‌کند باید مکه امنیت و رسالت را به تمام فرزندان خود و مناطق دنیا برساند.

همانگونه که در ایام حج به موری آزار نمی‌رسد و آشیانه مرغی ویران نمی‌شود، باید این امنیت به همه زمانها و مکانها سرایت کند. حمل اسلحه در آنجا ممنوع است یعنی در آنجا نباید تهدید باشد. شکار در آنجا در امان است، حتی نشان دادن شکار به شکارچی جایز نیست.

جمع شدن خداپرستان در مکه که محل فروپاشی بتهاست به ما درس بت‌شکنی می‌دهد. ابوذرها و امام حسین‌ها فریاد خود را از کنار کعبه سردادند و امام زمان - عجل‌الله تعالی فرجه - نیز قیام خود را از آنجا شروع خواهد کرد.

آنچه در حج و طواف است:

سادگی است، نه تشریفات

حرکت است، نه رکود

یاد است، نه غفلت

دنباله‌روی از احکام خدا است، نه شرق و غرب

فضای امن است، نه فسق و فجور

گذشت است، نه بخل

کنار زدن محرمات است، نه ارتکاب آن

تواضع و خاکساری است، نه تکبر و فخر فروشی

برادری و برابری است، نه تبعیض و امتیازطلبی

به هر حال حج مهم‌ترین و سازنده‌ترین سفری است که انسان در طول عمرش انجام می‌دهد، باید از خداوند استمداد و بر او توکل کنیم تا از برکات این سفر محروم نمانیم. چه برکتی بالاتر از آنکه انسان مهمان خدا

و پیامبر و امامان معصوم شده و تمام گناهانش بخشیده می‌شود؟!

چه برکتی بالاتر از اجتماع میلیونی خالصانه در منطقه امن، همراه با ناله و سوز، شعار و شعور، تلاش و دعا و اعلام براءت از کفار، و بازدید از

صحنه‌هایی از تاریخ اسلام!؟

خداوند! مژه عبادت و بندگی‌ات را به ما بچشان و آرزوی تمام

آرزومندان زیارت کعبه را برآور و رنجهای این سفر را در ذائقه جانمان

شیرین گردان.

مقدمه چاپ اول

به لطف خداوند متان یک دوره اصول عقاید (از توحید تا معاد) را که یادداشتهای چندین ساله‌ام بود به رشته تحریر درآوردم. تصمیم بر آن گرفتم که یادداشتهای فروع دین را نیز تنظیم کرده، در اختیار علاقمندان معارف اهل بیت (علیهم‌السلام) قرار دهم، که این کتاب، یکی از آنهاست.

از مسائل مهم فروع دین «حج» است که خوشبختانه کتاب‌های زیادی در این زمینه نوشته شده است. مرحوم شیخ آقا بزرگ تهرانی نام چهل و دو کتاب را که درباره احکام، آداب و اعمال حج نوشته شده، ذکر نموده است^۱ و یکصد و شصت و هفت جلد «مناسک حج» از علما و فقها را نام می‌برد،^۲ در سالهای اخیر، دانشمندان در زمینه حج، مقالات و

۱ - الذریعه، جلد ۶، ص ۲۴۹.

۲ - الذریعه، جلد ۲۲، ص ۲۵۳ به بعد.

جزوات و کتاب‌هایی نوشته‌اند (خداوند به همه آنان جزای خیر مرحمت فرماید!) لیکن معارف اسلامی از چنان توسعه و عمقی برخوردار است که نمی‌توان فهم همه مطالب را مخصوص به چند نفر دانست.

از مرحوم علامه طباطبائی نقل شده است که فرمود: «باید هر چند سالی برای قرآن تفسیری نوشته شود؛ زیرا بر خلاف سایر نوشته‌ها، مکتب آسمانی اسلام طوری است که هر چه بر عمر آن اضافه شود بر شکوفایی و عظمتش افزوده می‌شود».^۱

در این جزوه، همگام با حرکت حاجی (حتی کمی قبل از حرکت)، مطالبی از آیات و روایات و تذکرات نقل می‌کنیم، که بخشی از این مطالب به مناسبت فرارسیدن ایام حج در سال ۱۳۶۴، در مجله پیام انقلاب چاپ شد. و اینک با تجدید نظر و تکمیل و توضیح بیشتر، تمام آنچه را که در یادداشتهای خود جمع‌آوری کرده‌ام، تقدیم می‌دارم. امیدوارم مورد استفاده زائران خانه خداوند قرار گیرد و ما را در آن مکان مقدس، از دعا‌های خیرشان بی‌نصیب نگذارند.

۱ - مراد من این نیست که بگویم مطالبی را فهمیده و نوشته‌ام که دیگران به آن نرسیده‌اند ولی می‌خواهم بگویم وضع معارف اسلام جوری نیست که ما در طول تاریخ تنها به نوشته بزرگان گذشته اکتفا کنیم.